

Reward of Good Deeds and Angels of Gifts at the Gate of Paradise: A Textological Approach to the Angels of the Spirit of the Pious in Manichaeism

Mohammad Shokri-Foumeshi*

(Received: 2021-07-09; Accepted: 2021-09-17)

Abstract

In the present article, based on the original Manichaean documents such as Middle Persian, Parthian, Sogdian, and Coptic writings, as well as a non-Manichaean source i.e. *Ibn al-Nadim's al-Fehrest*, I will try to identify the reward for the good deeds of a pious human being after death and the angels who come to visit him with a few gifts in order to accompany him to the Light Paradise, along with a beautiful and fragrant virgin who appears to the believer before being judged and is, in fact, the beautiful image and shape of his good thoughts, words, and deeds. This textological study shows that, among the various rewards mentioned in various Manichaean and non-Manichaean sources, three rewards of garment, garland, and diadem are part of the original Manichaean eschatological system and other rewards are either equivalent to these three gifts or subsequent additions. As the present article argues, in Manichaeism not only the concept of the Virgin of Good Deeds is based on the Zoroastrian concept of "Daena", but also the concept of the Manichaean reward-giver angels is rooted in the Indo-Iranian traditions.

Keywords: Gifts for the Spirit of the Pious, Reward-giver Angels, Daena, Manichaeism.

* Assistant Professor, Department of Eastern Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, mshokrif@urd.ac.ir.

پاداش کردار نیک و فرشتگان دَهِش بر دروازه بهشت رهیافتی متن‌شناسانه به فرشتگان روانِ پارسایان در کیش مانوی

محمد شکری فومشی*

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۶]

چکیده

در مقاله پیش رو می‌کوشم عمدتاً بر اساس مدارک اصیل مانوی مانند مکتوبات فارسی میانه، پارتی، سغدی، و قبطی، و یک منبع غیرمانوی، *الفهرست* ابن ندیم، پاداش کردار نیک انسان پارسا پس از مرگ و فرشتگانی را بازشناسی کنم که با هدیه‌ها و دَهِش‌هایی چند به دیدار او می‌روند تا به همراه دوشیزه زیباپیکر و خوش‌بویی که پیش از داوری روان بر مؤمن ظاهر می‌شود و تصویر و شکل زیبایی اندیشه و گفتار و کردار نیک او است، وی را به بهشت روشنی مشایعت کنند. این بررسی متن‌شناسانه نشان می‌دهد از میان پاداش‌های متعددی که در منابع مختلف مانوی و غیرمانوی یاد شده، سه پاداش جامه (خلعت)، بساک (گل تاج) و دیهیم جزء سامانه معادشناسانه اصیل مانوی هستند و پاداش‌های دیگر یا مرادف‌های این سه دَهِش‌اند یا از افزوده‌های بعدی. همچنان که جستار حاضر استدلال می‌کند، در کیش مانوی نه تنها انگاره دوشیزه کردار نیک بر اساس انگاره «دَئنا»ی زرتشتی طراحی شده، بلکه فرشتگان پاداش‌بخش مانوی نیز در سنت‌های هندوایرانی ریشه دارند.

کلیدواژه‌ها: پاداش روان پارسایان، فرشتگان پاداش، دَئنا، کیش مانوی.

مقدمه

متن‌های موجود مانوی، چه شرقی چه غربی، در باب نام و خویشکاری فرشتگانی که در اندرکنش با روان درگذشتگان‌اند اطلاعات روشنی به دست نمی‌دهند. این کمبود آگاهی، که درباره نقش و کارکرد رستاخیزشناسانه آنها نیز صادق است، در متن‌های شرقی بیشتر از منابع غربی دیده می‌شود. از این‌رو، بازسازی و بازنمایی نقش فرشتگان در معاد و رستاخیز نزد مانویان شرق به‌ویژه به بازبینی منابع غربی مانوی و همچنین منابع غیرمانوی نیز وابسته است. در ادامه، افزون بر یک گزارش غیرمانوی، می‌کوشم با کمک منابع اصیل شرقی مانوی دوشیزه کردار نیک روان پارسایان و فرشتگانی را بازشناسی کنم که با هدیه‌هایی چند روان برگزیدگان دین را به بهشت مشایعت می‌کنند.

۱. «البکر» و «ثلاثة آلهة» در گزارش الفهرست

یکی از گواه‌های انگشت‌شمار و در عین حال بحث‌برانگیز در باب موقعیت روان درگذشته در روایتی از الفهرست ابن‌ندیم آمده است. این گزارش شرقی که در حقیقت گفت‌آوردی از یکی از آثار کانونی شخص مانی است به نکات مهمی اشاره کرده است: هنگامی که برگزیده‌ای (الصّدیق) بمیرد، انسان قدیم / هرمزدبغ (الانسان القدیم) ایزدی نورانی (الها نیّرا) را به صورت حکیم راهنما (بصورة الحکیم الهادی) به سوی او بفرستد. سه الاهیة (ثلاثة آلهة) که ظرف آب و جامه و دستار و (گل) تاج و اکلیل نور در دست دارند همراه این حکیم هستند. همراه اینان باکره‌ای نیز بیاید که شبیه روح آن برگزیده است (البکر الشبیهة بنسمة ذلك الصّدیق). در این زمان، اهریمن و آز و دیگر نیروهای اهریمنی نیز بر برگزیده ظاهر شوند، اما با دیدن آن چهره‌های نورانی پا به فرار نهند. اینان پس از بخشیدن پاداش‌ها و هدیه‌های ایزدی به برگزیده، وی را از راه ستون روشنی (بامستون) به کشتی / گردونه ماه و سپس خورشید گسیل کنند. آنگاه، کالبد برگزیده که دیگر تهی از هر گونه نور ایزدی و سراسر ظلمت است به دوزخ افکنده شود (Cf. Dodge, 1970: 795؛ سنج. ابن‌ندیم (ترجمه م. ر. تجدد)، ۱۳۸۱: ۵۹۶؛ ابن‌ندیم (ترجمه م. ابوالقاسمی)، ۱۳۹۰: ۵۵؛ افشار شیرازی، ۱۳۳۵: ۱۶۰).

بر اساس گواه‌هایی که از منابع اصیل مانوی گلچین شده و در زیر می‌آید، «ثلاثة آلهة» ابن‌ندیم همان «سه فرشته»‌ای هستند که روان اردوان و پارسایان را پس از بخشیدن

پاداش پیروزی و هدیه‌های خلعت و دیهیم و گل تاج و اَکلیل / افسرِ نور نزد «داور راستی‌گر» (خدای متعال مانوی) می‌برند. افزون بر این، گواه‌های شرقی و غربی مانوی، که می‌توان آنها را به زیبایی هر چه تمام‌تر کنار هم چید، نه تنها دقیقاً در همان بافتاری هستند و از همان رویدادی سخن می‌گویند که ابن‌ندیم گزارش داده و از این رو متناظر با روایت *الفهرست* هستند، بلکه بیانگر این واقعیت نیز هستند که طراح این اسطوره رستاخیزشناسانه بی‌تردید خود مانی بوده است. گواه‌های ایرانی میانه نیز اگرچه قطعه‌قطعه و پراکنده‌اند نشان می‌دهند که روایت یک‌دست و روشن ابن‌ندیم از منبع موثقی گزارش شده است. قطعه‌های ایرانی میانه که در اینجا می‌آید از میان گواه‌های مختلف گلچین شده است.

۲. «جامه بغانی، دیهیم روشن، و بساک زیبا» در متن‌های ایرانی میانه غربی

یکی از گواه‌ها که از پاداش‌های فرشتگانی می‌گوید قطعه پارتی M5569R1-17 است. در بخشی از این متن زیبا که توصیفی شاعرانه از رحلت (فرازرفتی) مانی به دست می‌دهد، می‌خوانیم:

چونان شهریاری که سلاح و جامه (رزم از تن) درآورد و جامه شاهوار دیگری [نیز] پوشد، همان‌گونه فرستاده روشنی (مانی) لباس رزمگاهی تَنانی درآورد؛^۱ و به کشتی روشن^۲ نشست؛ و جامه بغانی و دیهیم روشن و بساک (گل تاج) زیبا پذیرفت؛ و با شادی بزرگ، به همراه بغان روشنی که از راست و چپ روند، با چنگ و سرود شادی پرواز کرد به وَرَج (معجزه) بغانی همچون آذرخش تیز و روشن دیدار شتابان به راه روشن بامستون (ستون روشنی) و گردونه ماه بغان‌انجمن؛ و غنود با پدر هر مزدبغ (-) *Mir. Man.* iii: 15-16 [860-861], text c: 1- (17; *Reader* 47, text p: 1; *GSR* 215).

بنا بر متن، مانی جامه تَن فروهشت و پس از دریافت خلعت ایزدی و دیهیم نورانی و گل تاج زیبا سوار بر کشتی نور شد و از راه ستون نور به گردونه ماه نزد انسان قدیم رفت. متن مرگ تَنانی و رهاشدگی روان نورانی فرستاده روشنی از کالبد مادی را

توصیف می‌کند؛ و از این روی، از فرشتگان پاداش‌بخش و هدیه‌دهنده سخنی به میان نمی‌آورد. با این حال، بنا بر منابع همسو، مانی می‌بایست با دوشیزه کردار نیک و سه فرشته همراهش دیدار کرده باشد. نام فرشتگان در هیچ متنی نیامده است و به نظر نمی‌رسد به کمبود گواه‌ها مربوط باشد. اسامی اینان احتمالاً در اصل اسطوره نیز پوشیده بود.

یکصدوده سال پس از مرگ مانی (M5Vii12-14 = M748V18: *wnwh bwd 'spwr sd 'wd*) مدآحان خراسانی آموزه مانوی در قطعه M5Ri8-27 شکوه پیامبرش از بدخواهی و سعایت دشمنانش را، از زبان مانی نزد خدا، چنین می‌سراید:

(بُود که) در آرامش رستگاری مرا برکشی تا (دیگر) پیکر دشمنان نبینم (و) بیش (از این) سخنان درشتشان نشنوم؛ (بُود که) این بار مرا بساک بزرگ پیروزی دهی!« استغاثه را بغ راستی گر نیوشید و (بهر) او فرشتگان و هدایای بزرگ فرستاد () = M748R1-20-V1-6, in: *Mir. Man.* iii: 18-19 [863-864], text d: (8-74; *Reader* 137-138, text ce: 1-3).

بساک‌های فرح‌بخش، جلوه‌رهایی پاره‌های نور ازلی از چنگ ماده هستند. در واقع، آنجا که مانی از هدایت و روانه‌کردن بساک شادی‌افزا نزد پدر می‌گوید مقصودش روان‌های برگزیدگانی است که با آموزه او به پاداش پیروزی دست یافته‌اند. مانی خود آرزو می‌کند که پس از رحلت و فرازشدگی‌اش بدو «بساک بزرگ فیروزان/ پیروزی» (pwsq wzrg prywj''n) بخشند. این «پیروزی بزرگ» همان ظفر مبینی است که با واپس‌زدن امیال شیطانی و شکستن اهریمن در نبردی که با خدا کند و ناکارکردن همه دستیاران پلیدش در تلاش‌های بیهوده‌شان برای دورکردن انسان از اصل حقیقی و حقیقت زندگی به دست می‌آید؛ همان پیروزی‌ای که بنا بر منابع قبلی مانوی نیز (برای نمونه در 1Keph. 7, p. 36: 9-21, in: Polotsky/ Böhlig 1934-1940: 36; Gardner 1995: 40-41 همچنین در Kellis, *Psalm, Text A* 5: 12-18; 29-32, in: Gardner 1993: 42-43) برای گرامی‌داشت آن، پاداش‌های انوشه بخشند. متن می‌گوید فرشتگانی از سوی پدر بزرگی

مأموریت دارند پاداش‌های شکوهمند آن ظفر بزرگ را تقدیم مانی کنند. تأمل برانگیز است که در این فضای معادشناسانه فقط فرشتگان‌اند که میان روان درگذشته و خداوند نقش آفرینی می‌کنند. در اینجا سخن از هیچ ایزدی نیست.

غیر از دست‌نویس بالا و صرف نظر از قطعه پارتی و منتشر نشده M460cBi6-8 که در بافتی آسیب‌دیده از پاداش‌های «جامه، بساک و دیهیم پیروزی» (pdmwcn pwsǵ 'wd dydym prywg) نام می‌برد، باید از دو دفتر شعر پارتی هویدگمان (Huyadagmān) و آنگدروشنان (Angad Rōšnān) یاد کنم که اشاره‌های نابی به پاداش‌های فرشتگانی دارند. بیت‌هایی از این دو سرود که از زبان روان پارسا روایت می‌شوند نشان می‌دهند جامعه مانوی تا چه حد با هدیه‌های پس از مرگ تنانی آشنا بوده است، چنان‌که به نظر می‌رسد برای همگان فقط اشارت بدانها کفایت می‌کرده است. در اینجا، بی‌آنکه از گواه‌های گوناگون (مانند Huy. I: 22; Huy. Vc: 1; Huy. VIc: 11-13; Huy. VIII: 1-2; A.R. VIII: 4 منتشر شده در: Boyce, 1954: 68-69; *Ibid.*: 92-93; *Ibid.*: 102-103; *Ibid.*: 108-109; *Ibid.*: 168-169; *Ibid.*: 100-101; respectively) یاد کنم، صرفاً به یک بیت از هویدگمان (اندام ششم - ج، بیت ۴) بسنده می‌کنم، چنان‌که در Huy. VIc, 4 می‌خوانیم (*ibid.*: 100-101)؛ ترجمه فارسی در: وامقی، ۱۳۷۸: (به ترتیب قطعه‌ها) ۱۶۷-۱۶۸؛ همان: ۱۹۱؛ همان: ۲۰۱-۲۰۲؛ همان: ۲۰۸-۲۰۹؛ همان: ۱۶۱):

جامه‌ای درخشان بیوشی

و نور بر (کمر) بندی

و (من) نهم بر سر تو

دیهیم شهریاری

(همان: ۲۰۰)

افزون بر گواه بالا، قطعه‌ای از شاپورگان نیز در زمینه‌ای رستاخیزشناسانه، هم از دوشیزه می‌گوید و هم از پاداش فرشتگانی «دیهیم» (MacKenzie, 1980: 289, § 559-563-§) (۵۹: ۱۳۷۹). گواهمان از شاپورگان (۵۳۶-۵۴۱. Powered by DM-DB 2019؛ سنج: ترجمه عمرانی، ۱۳۷۹: ۵۹). گواهمان از شاپورگان در بافتی رستاخیزشناسانه خود گویای نقش فرشتگان پاداش‌بخش در رستاخیز است.

۳. هشتادوچهار هزار دختر بَغ پریستار در قطعه‌ای سغدی

اسطوره فرشتگان پاداش‌بخش در قطعه سغدی منحصر به فردی با شناسه Ch/So14731 (با مَهر کشف T ii Toyoq؛ معرفی شده در: MH1MS 160-162, no. 213) نیز بازتاب پیدا کرده است. مؤلفه‌های انگاره دوشیزه کردار نیک که در این دست‌نویس آمده، در برخی مواضع با دیگر قطعه‌های مانوی تفاوت دارد. این متن می‌گوید (11.7-13) انسانی (mrtxmy) که در طول حیاتش پارسایی و نیکوکاری و کَرَفه‌گری (šyr'nk'ry) پشیمه کند و فرمان‌بردار (škš'pt-p'sy) باشد، هم در این جهان، جسم و جانش از ارواح پلید و آفریدگان اهریمنی (cyty 'tδrmkw'neh δ'm) ایمن و بی‌بیم و ترس (pw pckwyr) باشد، هم در آن دنیا خوش‌بخت و سعادت‌مند. او پس از مرگ با بَغ‌دُختی شگفت‌انگیز، که جلوه کَرَفه و کردار نیک او است به همراه هشتادوچهار هزار دختر بَغ‌پریستار (فرشته) روبه‌رو شود که او را با گل بیاریند و برایش تخت‌روان زرینی مهیا کنند و وی را به بهشت بغانی رهنمون شوند. در بخشی از این متن (Ch/So14731+Ch/So10051+Ōtani7127+Dx.06957V13-28)، بر اساس خوانش هنینگ (Henning, 1945: 476-477 [180-181], text G) و بازسازی‌های رِک (Reck, 2003: 338)، و آنگاه بازنگری چند واژه از جانب من می‌خوانیم:

... و پس از زمانی که [انسان کَرَفه‌کار] بمیرد ۸۴ هزار دختر بَغ‌پریستار نزد او آیند ... [با] گل‌ها و تخت‌روان زرین؛ و بدو چنین گویند: مترس، روان ارداو! زیرا ... بهره نیست، بلکه بخرام بدانجا ... بخرام به سوی گرودمان روشنی (نزد) ۳۲ ... بَغ / بغانی ... شادی بپذیر، زیرا در جهان زندگی از کُشتن پرهیز کردی و چنان به زندگی همه جانداران دلسوزی نشان دادی که نه آنان را کُشتی و نه از گوشتشان خوردی. پس، اکنون به سوی بهشتِ عطراگین و زیبا که در آن شادیِ انوشه است بخرام. آنگاه، کردار خود او، ۳ ... (به پیکر؟) بَغ زیبا، ۴ به دیدار ۵ دوشیزه بَغ‌دخت ۶ بیاید؛ ... - (پاداش؟) ۷ انوشه، نوشاک، ۸ بر سرش گل بساک، ۹ ... و او خود رهسپار شود ... ۱۰

آسیب‌دیدگیِ بخشِ درپیوند با دوشیزه و پاداش‌های بغانی چنان است که اگر دیگر متن‌های موازی را در اختیار نداشتیم به سختی می‌توانستیم دریابیم سخن دقیقاً بر سر چیست. برخلاف متن‌های ایرانی میانه غربی و قبطی، در متن ما هشتاد و چهار هزار فرشته (دخترِ بَغ‌پرستار) به دیدار روان پارسا می‌روند تا وی را پس از بخشیدن پاداش پیروزی رهسپار بهشت کنند. پُرشماربودن فرشتگان که احتمالاً زمینه‌های هندی دارد یکی از تفاوت‌های این متن با دیگر متون هم‌نوا است. وجود سه پاداش بهشتی «کجاوه، تخت روان» و «نوشاک» (احتمالاً برابر با الرکوه «ظرف آب / مشک» در الفهرست) و «بساک، گل‌تاج» در بخش محفوظِ متن قطعی است؛ اگرچه در بخش از دست رفته ممکن است از «دیهم» نیز یاد شده باشد.^{۱۱} بر اساس این متن، روان راستکاران به «گرودمان روشنی»، بهشت روشنی، دعوت می‌شود؛ جایی که همه روشنی‌های پالوده پس از سفری دور و پُرمحت شادمانه به خانه‌گاه پدر برمی‌گردند.

۴. بررسی آماری

ارجاعات دقیق به شواهد ایرانی مانوی، گواه‌های غیرایرانی مانوی، و همچنین مدارک غیرمانوی از انواع پاداش‌های فرشتگانی به روان پارسایان در دو جدول ۱ و ۲ نشان داده شده است.

جدول ۱: پاداش‌های بهشتی در گلچینی از متن‌های ایرانی میانه

منبع	زبان	پیروزی	خود	افسر، تاج	دیهم	بساک، گل‌تاج	جامه، پوشاک	آب، نوشاک	دستار	تخت، گاه	تالار، قصر
M5Ri26-Rii15-16	Pth.	x				x					
M30Vii6-7	Pth.									x	x
M31Iir7-8	MP				x		x				
M101eR5-6	MP			x	x	[x]	x				

پاداش کردار نیک و فرشتگان دَهش بر دروازه بهشت / ۱۳۱

منبع	زبان	پیروزی	خود	افسر، تاج	دیهیم	بساک، گل تاج	جامه، پوشاک	آب، نوشاک	دستار	تخت، گاه	تالار، قصر
M178Ir15-16	Sogd.				x	x	x			x	
M309aR2-4	MP			x	x					x	
M341aV7-8	MP		[*]		x	x					
M460cBi6-8	Pth.	x			x	x	x				
M472IIr8	MP					x					
M639aRh.,V1	MP				x		x				
M729IIvi3	MP		x		x	x					
M801a/p.4/17-18	MP		x		x	x					
M801a/p.21/7	MP				x						
M850V2	WMIr				x	x					
M5569R7-8	Pth.				x	x	x				
Ch/So14731 ⁺ (15, 26)	Sogd.					x		x		x	
SMhFv10-11	MP	x		x	x						
<i>Total frequency</i>		3	3	3	13	11	6	1	0	3	1

جدول ۲: پاداش‌های بهشتی در گلچینی از متن‌های غیرایرانی

منبع	زبان	پیروزی	خود	افسر، تاج	دیهم	بساک، گل تاج	جامه، پوشاک	آب، نوشاک	دستار	تخت، گاه	تالار، قصر
<i>Hom. 6: 20-23</i>	Copt.			x			x				
<i>1Keph. 36: 16-18</i>	Copt.	x		x	x	x	x				
<i>PsB II, p. 84: 17-18</i>	Copt.	x				x	x				
<i>Kellis, Ps. A 5: 14-15</i>	Copt.	x		x		x	x				
<i>H</i>	Chin.			x		x	x	x			x
<i>Al-Fihrist</i>	Arab.			x	x		x	x	x		
<i>Total frequency</i>		3	0	5	2	4	6	2	1	0	1

بر اساس دو جدول بالا، می‌توان به میزان حضور هر یک از پاداش‌های فرشتگانی در متن‌های مانوی و غیرمانوی دست یافت. جدول ۳ نمایشگر بسامد و فراوانی هر یک از هدایای بهشتی و همچنین درصد حضورشان بر پایه منابعی است که در دو جدول بالا گرد هم آمده است.

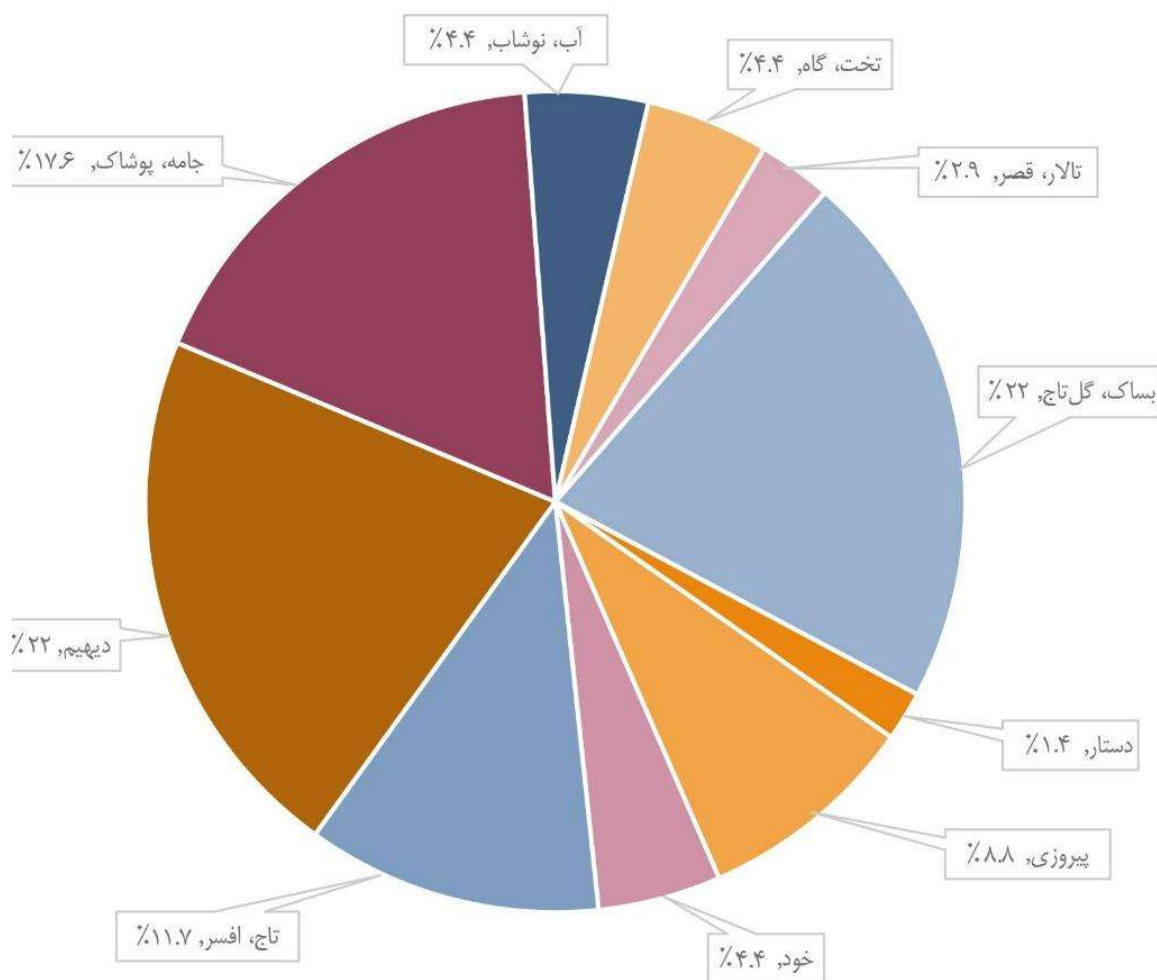
جدول ۳: میزان حضور پاداش‌های بهشتی بر اساس گلچینی از متن‌های مانوی و غیرمانوی یادشده در جدول ۱ و ۲ (با اختلاف حدود یک درصد در کل محاسبه)

نوع پاداش	زبان متن‌ها	بسامد کل	درصد کل
پیروزی	MP, Pth., Copt.	6	٪ 8.8
خود	MP	3	٪ 4.4
افسر، تاج	MP, Copt., Chin., Arab.	8	٪ 11.7
دیهم	MP, Pth., Sogd., Copt., Arab.	15	٪ 22

پاداش کردار نیک و فرشتگان دَهش بر دروازه بهشت / ۱۳۳

بساک، گل تاج	MP, Pth., Sogd., Copt., Chin.	15	٪ 22
جامه، پوشاک	MP, Pth., Sogd., Copt., Chin., Arab.	12	٪ 17.6
آب، نوشاک	Sogd., Chin., Arab.	3	٪ 4.4
دستار	Arab.	1	٪ 1.4
تخت، گاه	MP, Pth., Sogd.	3	٪ 4.4
تالار، قصر	Pth., Chin.	2	٪ 2.9

داده‌های آماری جدول بالا در نمودار ۱ بازتاب پیدا کرده است.



نمودار ۱: میزان / درصد حضور پاداش‌های بهشتی بر اساس گلچینی از متن‌های مانوی و غیرمانوی یادشده در مقاله حاضر (با اختلاف حدود یک درصد در کل محاسبه)

همان‌گونه که سه جدول ۱ و ۲ و ۳ و همچنین نمودار ۱ نشان می‌دهد، سه دهش «جامه» با ۱۲ فراوانی و «دیهیم» و «بساک (گل تاج)» هر یک با ۱۵ یادکرد پربسامدترین پاداش بهشتی‌اند که سه فرشته آنها را تقدیم روان پارسایان می‌کنند. بنابراین، احتمالاً سه فرشته پاداش‌بخش در اصل حامل این سه پاداش‌اند و دهش‌هایی چون تاج و اکیلل و خود و افسر مرادف‌های دیهیم و گل تاج‌اند و دستار و تخت و تالار/ کاخ و آب/ مشک از افزوده‌های بعدی‌اند.

جدول ۱ و ۲ آشکار می‌کند که «بساک» و «دیهیم» در دست‌نوشته‌های ایرانی و «تاج» و «جامه» در متن‌های غیرایرانی بیش از دیگر دهش‌ها به کار رفته است. بر پایه جدول ۳، از «خود» فقط در متن‌های فارسی میانه و از «دستار» فقط در متن عربی *الفهرست* ابن‌ندیم، یعنی هر دو از منابع شرقی، یاد شده است. این جدول به‌روشنی نشان می‌دهد که سه دهش «آب/ مشک» و «تخت/ گاه» و «تالار/ قصر» فقط در منابع شرقی دیده می‌شود، و پنج پاداش «پیروزی» و «افسر/ تاج» و «بساک/ گل تاج» و «جامه» و «دیهیم»، هم در مأخذ شرقی دیده می‌شود و هم در منابع غربی.

در کنار پاداش‌هایی که متناظر به یک شیء‌اند، در برخی مدارک قبطی مانند Kellis, Ps. A 5: 15 و PsB II, p. 84: 18، در غیاب «دیهیم»، از پاداش «پیروزی» یاد می‌شود؛ چنان‌که گویی شماری از متن‌های غربی مانوی پاداش «پیروزی» را به جای «دیهیم» به کار برده‌اند. اما «قطعه مانوی شیراز» (Shokri-Foumeshi, 2017: 646; SMhFv10.11؛ و نسخه فارسی آن: شکری فومشی، ۱۳۹۴: ۱۳) نشان می‌دهد که پاداش *pyrwzyh* «پیروزی» به موازات افسر *'b(y)[sr]* و دیهیم (*dydym*) مصداق و عنوان یکی از دهش‌های بهشتی است، نه عنوانی کلی برای همه آن پاداش‌ها (Cf. Sundermann 1998: web-page)؛ نکته‌ای مهم که حین نشر قطعه شیراز در ۲۰۱۷ متوجه آن نشدم. واژه *prywj*''n در عبارت «بساک بزرگ فیروزان» (*pwsq wzrg prywj*''n)، یادشده در قطعه پارتی M5Rii16، و لغت *prywg* در عبارت «دیهیم پیروزی» (*dydym prywg*)، یادشده در قطعه پارتی M460cBi6-8، به مثابه صفت برای بساک و دیهیم به کار رفته‌اند.

باری، گلچین آماری یادشده شاید دستاوردی نسخه‌شناسانه نیز داشته باشد: جز قطعه‌هایی که به دلیل آسیب‌دیدگی شدید نمی‌توانند در نتیجه‌گیری ما نقش مؤثری ایفا کنند، متن دست‌نویس‌هایی مانند M5569 که فقط از این سه پاداش نام می‌برند به‌احتمال، کهن‌تر از بقیه متن‌ها هستند؛ ولو نسخه موجود، رونوشت باشد. قطعه پارتی M5569 که مرگ مانی را به طرزی شاعرانه توصیف می‌کند خود باید بر اساس یک متن کهن‌تر فارسی میانه بوده باشد.

۵. سه فرشته بی‌نام

گواه‌های بالا، به یکی از مهم‌ترین نکته‌ها در فرشته‌شناسی مانوی اشاره می‌کنند که در سراسر متن‌های فرشتگانی ایرانی میانه دیده می‌شود؛ در هیچ یک از گواه‌های ایرانی شمار «سه فرشته» نمی‌آید، مگر یک استثنا و آن هم با عنوان hry bgpwhr'n «سه بغ‌پور». بر اساس قطعه فارسی میانه M4bIv7-20 پیروان آموزه روشنی از مانی می‌خواهند به هنگام رحلتشان به پذیره آنان رود و در آن هنگامه سخت با سه بغ‌پور به فریادشان رسد (HR ii 54; Mst 5 as text 4c):

پایان زندگی‌ام تند (و) به‌شتاب آمد؛ نجاتم بخش از پریشانی سخت در این روز
رحلت _____ ۱۳ _____ (بُود که) بیایی، ای رهایی‌بخش من، به ستایش، بغ
زندگی‌بخش مار مانی، با سه بغ‌پور (فرشته). بیندیش، ای ایزد نیکوکار، به جان
(روح) نیوشای این فرزند مؤمن خویش که از تو پیروی کرد. ای ایزد کرفه‌گر،
به من بیندیش که روز رحلت در یادم بود. بیا، ای بغ، مرا ببین (و) در این
هنگامه فریاد رسم باش.

مناجات بالا آشکارا معادشناسانه است و «سه بغ‌پور» (سه پسر / فرزند خدا) در اینجا که سخن بر سر مرگ و اندیشه نجات روان پارسا پس از رحلت است بی‌تردید به «سه فرشته» اشاره می‌کند. مؤمن مانوی از پیام‌آور دینش می‌خواهد پس از رحلتش فریادرس او باشد و آن سه فرشته پاداش‌بخشی را که به باورمندانش وعده داده در نخستین روزهای پریشان‌حالی

سخت پس از مرگ بر روانشان ظاهر، و به سوی او، که مؤمن به آموزه‌هایش بوده، روانه کند.

۶. اقتباس‌های مانوی

در قطعه فارسی میانه M801a مؤمنان به عیسای درخشان، برخیزاننده مردگان (mwrđ'hyz'n)؛ و دوشیزه روشنی و بهمن بزرگ (whmn wzrg) نیایش می‌برند تا بدانها فره بزرگ (wzrg prh) و دیهیم جاودانه (dydym 'yg j'yd'ng) ارزانی کنند. آیا مقصود متن آن است که دیهیم جاودانه را این سه ایزد می‌بخشند (M801a/p.11/1-18/, in BBB 23, ll. 166-183)؟ یا احتمال دارد این سه شخصیت، که سومین نوع از تثلیث مانوی را تشکیل می‌دهند،^{۱۳} با تکوین تدریجی این سه گانگی جایگزین سه فرشته پاداش‌بخشی شده باشند که به هنگام اقتباس اسطوره مزدیسنايي دَئنا (Daēnā) در عوض سه ایزد مهر (Mihr) و سروش (Srōš) و رَشَن (Rašn) (هینلز، ۱۳۷۹: ۹۶) در اسطوره مانوی ظاهر شده‌اند؟ در مزدیسنا یکی از ایزدانی که به پذیره روان‌های ارداوان رَوَد بهمن (Wahman) است، اما نه در ماه‌پایه یا خورشیدپایه، بلکه در بالاترین درجه بهشت، یعنی «گردمان» (garōdmān) (همان: ۹۹). او بنا بر *ارداویراف‌نامه* «جای و پاداشِ آهلوان را بنماید» (be nimāyēd gāh ud pādāšn ī ahlavān؛ منتشر شده در: *AVN* 12: 6؛ *ارداویراف‌نامه*، ۱۳۸۲: ۵۷؛ ترجمه فارسی فصل یازدهم، بند ششم؛ آوانوشت ص ۹۱). از نظر من، این عبارت‌های پهلوی نکاتی سزاوار تأمل در خود دارند.

در اینجا، بدون اینکه بخواهم پژوهشی مقایسه‌ای میان «دوشیزه کردار نیک» و ایزدان نام‌آشنای مانوی یا زرتشتی عرضه کنم - زیرا کاری است که پیش از این انجام شده (برای نمونه نک: شِروو، ۱۳۹۶: ۹۳) و برای من نیز در اینجا امکان آن نیست - مایلم این نکته مهم را ناگفته نگذارم که اسطوره دوشیزه و سه فرشته همراهش «قراثت مانوی» (بخشی از) همان اسطوره معروف زرتشتی دَئنا (Daēnā) است^{۱۴} که بر اساس متون پهلوی کردار نیک یا بد درگذشتگان به شکل زیباترین دوشیزه یا زشت‌ترین عجوزه درآید، چنان‌که دوشیزه کردار نیک کرفه‌کاران روانشان را به بهشت و عجوزه کردار بد بزه‌کاران روان اینان را به دوزخ ره نماید.^{۱۵} در *خود هادخت‌نَسک* (*Hādōxt nask*؛

هادخت‌نسک، ۱۳۸۶)، یعنی مهم‌ترین متن زرتشتی که تاکنون در این باب شناخته شده، فقط از دئای زیباروی و دوشیزه‌پیکری یاد شده که روان پارسایان را به بهشت می‌برد؛ دقیقاً به همان نحو که در سنت مانوی فقط روان‌های پاک پارسایان به دیدار آن «نگاره» و این سه فرشته نائل آیند — الزامی که در مانویت البته ساختاری هم هست.^{۱۶} از این رو، من میان قرائت و روایت کهن‌تر زرتشتی و آنچه در سنت مانوی می‌آید ناهمگونی نمی‌بینم. سنت مانوی از آن رو به روایت کهن‌تر زرتشتی نزدیک‌تر است که قرائت متأخر مزدیسنا از دئای زیبا و زشت در مکتوبات غیراوستایی مانند مینوی خرد (فصل ۱: بند ۱۲۵-۱۳۹) یا *رد/ویراف‌نامه* (فصل ۴: بند ۹-۱۴) یا حتی در کتیبه کردیر (cf.: Skjærvø, 1983: 275-277) می‌آید، اگرچه صورت اولیه این انگاره در خود *گاهان* (برای نمونه، هات ۳۱: بند ۲۰؛ هات ۴۶: بند ۱۱؛ هات ۴۹: بند ۹؛ هات ۵۱: بند ۱۳)^{۱۷} ریشه دارد.

اما قرائت مانوی این اسطوره رستاخیزشناسانه ایرانی نمی‌توانست و نمی‌بایست با الگوی زرتشتی‌اش «مطابقت» کند؛ حتی اگر مانی در شاپورگانش خواسته باشد «پیکر روان» (*rw'nqyrb*) بر اساس چاپ (MacKenzie, 1980: 290, §680) آموزه‌اش را آگاهانه با سه کلیدواژه زرتشتی «منش (اندیشه)، گویش (گفتار)، و کنش (کردار)» (*mynyšn gwyšn w*) بر اساس چاپ (*ibid.*: §687)،^{۱۸} گره زند تا به شاه شاهان، شاپور یکم ساسانی، نشان دهد که «دوشیزه» دینش همان «دئای او است و آن سه فرشته پاداش‌بخش همراهش به جای سه ایزد مهر و سروش و رشن می‌آیند.^{۱۹} در واقع، مانی از بن‌مایه‌های آن اسطوره بی‌نظیر الهام گرفت تا با آن عناصر مشهور فقط سخن خویش بازگوید. از این رو، انتظار نداریم شخصیت و خویشکاری «سه ایزد» مهر و سروش و رشن با «سه فرشته» مانوی در تطابق باشد. در مانویت نه آن سه ایزد به فرشته بدل شده‌اند و نه خویشکاری‌شان به اینان محول شده است. آن ایزدان در اسطوره زرتشتی «داور»ند و این فرشتگان در آموزه مانوی فقط بخشنده هدایا به روان «انسان نو». «ظرف» این دو سنت یکی، اما «مظروف»شان متفاوت بود.

انگاره گل و گل‌تاج و بوی خوشی که روان پارسای مانوی را در آن جهان فرا می‌گیرد زمینه زرتشتی دارد، زیرا این عنصر ویژه در هادخت‌نسک ۲: ۷، دیده می‌شود

(ه‌ادخت‌نسک، ۱۳۸۶، متن اوستایی: ۴۳-۴۷؛ ترجمه: ۶۱-۶۴) و از همان سنت به متن پهلوی *ارد/ویراف‌نامه* (فصل ۴، بند ۸) نیز راه یافته است (*ارد/ویراف‌نامه*، ۱۳۸۲، متن پهلوی: 79-83؛ ترجمه: ۵۰-۵۲). بر پایه این نسک اوستا، روان مرد پرهیزگار احساس می‌کند که «از میان گل‌ها و بوی‌های خوش گذرانده می‌شود» (*uruuarāhuca paiti baoiδšuuu vīdiδāraiīamnō*)؛ ه‌ادخت‌نسک، ۱۳۸۶، متن اوستایی: ۴۴؛ ترجمه: ۶۲) و به نظرش می‌رسد که بادی از نیمه جنوبی بر او وزان است؛ «خوش‌بو، خوش‌بوتر از دیگر بادها» (*hubaoiδiš hubaoiδitarō*) (*aniiaēbiiō vātaēbiiō*؛ همان). در وزش این باد، دئنا (daēna) او به شکل دوشیزه‌ای زیبا بر وی پدیدار می‌شود (همان، بند ۹). آنچه در طرح معادشناسانه مانوی دیده می‌شود در دیگر سامانه‌های دینی، مثلاً در یهودیت و مسیحیت و کیش گنوسی، وجود ندارد؛ و از این رو به نظر نمی‌رسد بتوان در اقتباس آن از دین زرتشتی تردید کرد. این عنصر زرتشتی بی‌گمان در مانویت بازتعریف شده است.

پاداش‌های فرشتگان به روان پارسایان متناظر به چه مفاهیمی هستند؟ دیدگاه پیراس مبنی بر اینکه گل‌تاج / حلقه گل / بساگ و دیهیم احتمالاً می‌توانست یکی از نمادهای فره (*Av. xvarənah*) بوده باشد، دور از ذهن به نظر نمی‌رسد (Piras, 2017: 313-317).

در فرجامین بند این بخش مایلم اشارتی به خاستگاه انگاره فرشتگان پاداش‌بخش روان پارسایان داشته باشم. آنچه مبرهن است آن است که دست‌مایه مانی همان بود که در سنت زرتشتی وجود داشت. اما برخی از وجوه این انگاره در دیانت زرتشتی احتمالاً نه نوآورانه، بلکه صورت تکوین‌یافته و زرتشتی‌شده بن‌مایه‌ای بود که پیش از زرتشت میان هندوایرانیان رایج بود. برای تقویت این گمانه‌زنی یافته‌های ویدنگرن در باب باکره‌های بهشتی در سنت هندی، به‌ویژه در *گئوشیتکی برهمنه اوپنیشد* (*Kausītaki*) (*Brahmana Upaniṣad, ch.1.4*) نظرگیرند (نک.: ویدنگرن، ۱۳۷۶: ۸۷). بنا بر بند چهارم از فصل یکم این اثر، پانصد آپسره (*pancasatanay apsara sam*) به دیدار روان پارسایان روند تا آنان را با پاداش‌های گونه‌گون چون تالار و تخت و خلعت و گل‌تاج و دیهیم به بهشت مشایعت کنند (نک.: Cowell, 1861: 31). از این رو، طبیعی است که تصور کنیم بخش‌هایی از این انگاره‌ها در متهای مراتب در سنت هندوایرانی ریشه دارند، نه در باورهای

گنوسی یا یهودی یا مسیحی؛ و بعید نیست شخص مانی، افزون بر شناخت کامل اسطوره‌های ایرانی، با انگاره‌های هندویِ این اسطوره نیز آشنا بوده است.

نتیجه

مقاله حاضر نخستین اثری است که بر پایه مهم‌ترین متن‌های مانوی و منابع غیرمانوی، از متن‌های پرشمار فرشته‌شناسانه فارسی میانه گرفته تا اندک متن‌های پارتی و سغدی، فرشتگان پاداش‌بخش و هدیه‌های بهشتی در کیش مانوی را بازشناسی می‌کند. در اینجا، بر اساس قطعاتی از مجموعه دست‌نوشته‌های ایرانی میانه و با اشاراتی به پاپیروس‌های قبطی مانوی، کوشیدیم نشان دهیم که «دوشیزه کردار نیک» (با عنوان‌هایی چون «دوشیزه»، «نگاره»، «تصویر»، «صورت»، و «پیکر») به همراه سه فرشته پاداش‌بخش به دیدار روان برگزیده می‌رود تا بدو مژده ورود به بهشت دهد. جدول‌ها و نمودارهای ما در این مقاله مستدل نشان می‌دهند که سه فرشته روان با سه دهش جامه (خلعت) و بساک (گل تاج) و دیهیم است که روان پاک «انسان کامل» را به بهشت راهنمایی می‌کنند، اگرچه در برخی مدارک، چه شرقی چه غربی، از پاداش‌هایی چون مَشک / ظرف آب و دستار، و مرادف‌هایی چون تاج و افسر، و افزون بر اینها از پاداش پیروزی نیز یاد می‌شود. این دَهش همان پاداش پیروزی انسان کامل در به انجام رساندن اراده خدا در برابر خواسته‌های پلید اهریمن است. در این مقاله، هم نشان دادیم که فرشتگان معاد دست‌کم در شاپورگان حضور داشته‌اند و هم استدلال کرده‌ایم که انگاره (دوشیزه کردار نیک و) فرشتگان پاداش‌بخش روان پارسایان در سنت‌های هندوایرانی ریشه دارد؛ اگرچه مانی سامانه فرشتگان معاد و رستاخیز آموزه‌اش را بر اساس انگاره «دئنا»ی مزدیسنا قرار داد و حتی با درانداختن طرحی نو از آن، ساختار و قرائتی دیگر از «دوشیزه بَغ دَهش» عرضه کرد.

کوتاه‌نوشت‌ها

- A.R. *Angad rōšnān* (A Manichaean Parthian text from Turfan), in: Boyce, 1954
Av. Avestan
AVN *Ardā Vīrāz Nāmag*, Gignoux 1984 (here from the Persian transl. of J. Amouzgar 1382)
Arab. Arabic
BBB Henning 1937
Chin. Chinese

Copt.	Coptic
DM-DB	Durkin-Meisterernst 2019
2019	
GSR	Klimkeit 1993
H	摩尼教下部讚 <i>Monijiao xiabu zan</i> [<i>Mo ni chiao hsia pu tsan</i>] “The Lower (Second?) Section of the Manichaean Hymns”, Ms. S.2659, British Library, trnsl. by Daoming (8 th c.?), ed. by Tsui Chi 1943; Lin 1997
<i>Hom.</i>	<i>Homilies</i> , Polotsky 1934; Pedersen 2006
<i>Huy.</i>	<i>Huyadagmān</i> (A Manichaean Parthian text from Turfan), in: Boyce 1954
Kellis	Gardner 1993
<i>IKeph.</i>	Introduction + chaps. 1-95 (pp. 1-244), in: Polotsky/ Böhlig 1934-1940; Gardner 1995.
loc.	locative
<i>MHIMS</i>	Reck 2006
<i>Mir.</i>	Andreas/ Henning 1934
<i>Man.</i> iii	
MP	Middle Persian
postp.	postposition
Ps.	Psalm
<i>PsB</i> II	(Manichaean) <i>Psalm-Book</i> , Allberry 1938
Pth.	Parthian
<i>Reader</i>	Boyce 1975
sg.	singular
SMhF	Shiraz Manichaean Fragment, ed. by Shokri-Foumeshi 2017
Sogd.	Sogdian
WMIr.	Western Middle Iranian

پی‌نوشت‌ها

۱. نه «لباس از تن»، بلکه «لباس تن» در آورد (تن به مثابه جامه).
۲. نخست کشتی ماه، سپس کشتی خورشید. این دو گاهی گردونه نیز خوانده شده‌اند.
3. rtšy xw xypδ 'krtyh
۴. نک.: یادداشت بر این واژه در بخش حرف‌نوشت.
۵. ryty به معنای «صورت» (face) اما به همراه ادات *my* (postp., loc. sg.) تحت‌اللفظ به معنای «در صورت» و در این بافت در واقع به معنای «به دیدار (رفتن)» است. با سپاس از نیکلاس سیمزویلیامز برای اشاره به این نکته (۶ ژانویه ۲۰۲۱). نیز نک.: یادداشت بعدی.
6. βγγ-δwγth pwr'ycw my ryty
- (bay duxt) «بی‌دخت»
۷. واژه myγty ممکن است در اصل به معنای «عوض» (در معنای پاداش) باشد؟
8. cš'nt
9. 'sprγmy-mynch ps'kw
۱۰. ترجمه من تا حدودی متفاوت با ترجمه رک (RECK, 2003: 338) است. ترجمه او از سطر ۲۴ به

بعد چنین است:

“Und seine eigenen Taten, die wundervolle göttliche Königstochter, die Jungfrau kommt vor sein Angesicht, die ewigen Früchte(?), das Getränk, um den Kopf einen Kranz aus Blumen []. Sie selbst ihn aussendet [.]”

۱۱. سیمزویلیامز مهربانانه، در ایمیل ۶ ژانویه ۲۰۲۱ به من، اشاره کرد که اگر در متن ما واژه xwδ «(کلاه) خود» نوشته شده بود نباید [xw] در سطر ۲۷ بوده باشد. در واقع، اگر در فضای باقی مانده پس از w نویسه δ نوشته شده بود به سادگی قابل شناسایی بود.

۱۲. در اینجا عدد سه آمده است. بافت متن چنان است که به نظر می‌رسد به «ذکر/ تکرار سه بار متن» اشاره دارد و بسیار بعید است در اینجا سخن بر سر انگاره مانوی «سه روز بزرگ» یا «سه مرگ» باشد (در این زمینه نک.: شکری فومشی، ۱۳۹۵: ۱۱۳-۱۱۶).

۱۳. به باور من، این تثلیث از نوآوری‌های مانویان خراسان (دیناوریه) بوده است. دو تثلیث نخست عبارت‌اند از: پدر، مادر، پسر؛ و پدر، پسر، روح‌القدس. در این زمینه نک.: شکری فومشی، ۱۳۹۳ [۱۳۹۴]: ۳۵ به بعد. این دو نوع تثلیث، برای نمونه، در سرآغاز انجیل زنده مانی آمده است (نک.: SHOKRI-FOUMESHI, 2015: 158 ff.).

۱۴. نه ملهم از سنت‌های دیگر (نک.: COLPE, 1981: 58 ff.; SUNDERMANN, 1992: 168).

۱۵. درباره دثنای زرتشتی به طور خاص نک.: SHAKI, 1994: 279-281.

۱۶. در مانویّت روان گناهکار اصلاً با این دوشیزه روبه‌رو نمی‌شود.

۱۷. برای این ارجاعات مدیون احمد رضانی و داود خزائی هستم.

18. Both references powered by DM-DB 2019.

۱۹. دو لا وِسی‌یه (DE LA VAISSIERE, 2015-2019: 76 nr. 25) دیدگاه فرانتس گرنه (GRENET, 2017)

[2013]: 4) را نمی‌پذیرد که این سه فرشته را با «سه مینوی اندیشه و گفتار و کردار نیک» که از آن در

کتاب پهلوی دادستان دینی یاد شده مقایسه می‌کند.

منابع

- ابن الندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۹۰). *مانی به روایت ابن الندیم* (متن عربی، ترجمه فارسی)، ترجمه: محسن ابوالقاسمی، تهران: طهوری، چاپ چهارم.
- ابن الندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱). *الفهرست*، ترجمه: محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر.
- ارداویراف‌نامه* (۱۳۸۲). ترجمه به فرانسه: فیلیپ ژینیو، ترجمه به فارسی: ژاله آموزگار، تهران، معین - انجمن ایران‌شناسی فرانسه.
- افشار شیرازی، احمد (۱۳۳۵). «متون عربی و فارسی درباره مانی و مانویّت و آنچه بدین موضوع مربوط است»، ضمیمه در: سید حسن تقی‌زاده، *مانی و دین او*، تهران، انجمن ایران‌شناسی.
- بهار، مهرداد؛ اسماعیل‌پور مطلق، ابوالقاسم (۱۳۹۴). *ادبیات مانوی*، تهران: کارنامه.
- شرو، پرادز آکتور (۱۳۹۶). *عناصر ایرانی در کیش مانوی (با رویکردی مقایسه‌ای)*، ترجمه: محمد شکری فومشی، ویراسته: اکرم دژهوست‌گنک، تهران: طهوری، ویراست دوم.
- شکری فومشی، محمد (۱۳۹۳ [۱۳۹۴]). «درود بر پدر، پسر، روح‌القدس: رهیافتی متن‌شناختی به انگاره روح‌القدس در تثلیث مانوی»، در: *پژوهش‌های ادیانی*، ش ۵، ص ۳۵-۴۸.
- شکری فومشی، محمد (۱۳۹۴). «سرود بزرگ خرد: کشف نخستین دست‌نویس مانوی در ایران»، در: *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، س ۵، ش ۱۰، ص ۱-۲۴.
- شکری فومشی، محمد (۱۳۹۵). «سرودی انجیلی در باب انگاره سه روز بزرگ؛ با رویکردی به خاستگاه و ماهیت سروده‌های مانوی بر اساس دست‌نویس‌های تورفان در مجموعه برلین»، در: *پژوهش‌های ادیانی*، ش ۷، ص ۹۹-۱۱۸.
- مکنزی، دیوید نیل (۱۳۷۹). *شاپورگان*، ترجمه: نوشین عمرانی، تهران: اشتاد.
- وامقی، ایرج (۱۳۷۸). *نوشته‌های مانوی و مانویان*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، حوزه هنری.
- ویدن‌گرن، گئو (۱۳۷۶). *مانی و تعلیمات او*، ترجمه: زهت صفای اصفهانی، تهران: نشر مرکز، ویراست دوم.
- هادخت‌نسک (۱۳۸۶). ترجمه: مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هینلز، ج. ر. (۱۳۷۹). *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه: ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: آویشن - چشمه.

- Allberry, C. R. C. (1938). *Manichaeian Manuscripts in the Chester Beatty Collection*, Volume II: *A Manichaeian Psalm-Book*, Part II, with a contribution by H. Ibschler, Stuttgart.
- Andreas, F. C. and W. B. Henning (1934). *Mitteliranische Manichaica aus Chinesisch-Turkestan. iii*, SPAW, Berlin.
- Boyce, M. (1954). *The Manichaeian Hymn-Cycles in Parthian*, London-New York-Toronto.
- Boyce, M. (1975). *A Reader in Manichaeian Middle Persian and Parthian*, Téhéran-Liège (Acta Iranica 9a).
- Colpe, C. (1981). “Daēnā, Lichtjungfrau, Zweite Gestalt, Verbindungen und Unterschiede zwischen zarathustrischer und manichäischer Selbst-Anschauung”, in: R. van den Broek and M. J. Vermaseren (eds.), *Studies in Gnosticism and Hellenistic Religions presented to Gilles Quispel on the occasion of his 65th Birthday*, Leiden, pp. 58-77.
- Cowell, E. B. (ed.) (1861). *Kaushitaki Brahmana Upanishad*, Delhi: Gyan Books [repr. 2017].
- de la Vaissiere, É. (2015-2019). “The Faith of Wirkak the *Dēnāwar*, or Manichaeism as Seen from a Zoroastrian Point of View”, *BAI* (NS) 29, pp. 69-78.
- Dodge, B. (1970). *The Fihrist of al-Nadim. A Tenth-Century Survey of Muslim Culture*, II, New York-London.
- Durkin-Meisterernst, D. (ed.) (2019). “Database of Middle Persian and Parthian Manichaeian Texts”, under www.turfan.bbaw.de/dta/mirtext/wmirtext.html, last access on 16 December 2019.
- Gardner, I. (1993). “A Manichean Liturgical Codex Found at Kellis”, *Orientalia* 62, pp. 30-59.
- Gardner, I. (1995). *The Kephalaia of the Teacher. The Edited Coptic Manichaeian Texts in Translation and Commentary*, Leiden.
- Grenet, F. (2017 [2013]). “More Zoroastrian Scenes on the Wirkak (Shi Jun) Sarcophagus.” *BAI* (NS) 27, pp. 1-12.
- Henning, W. B. (1937). *Ein manichäisches Bet- und Beichtbuch*, Berlin (APAW, 1936, No 10) [= *Selected Papers* I, 1977, pp. 417-557].
- Henning, W. B. (1945). “Sogdian Tales”, *BSOAS* 11, pp. 465–487 [= *Selected Papers* II, 1977, pp. 169-191].

- Klimkeit, H.-J. (1993). *Gnosis on the Silk Road. Gnostic Texts from Central Asia*, San Francisco.
- Lin Wushu 林悟殊 (1997). “Monijiao ji qi dongjian” 摩尼教及其東漸 [Manichaeism and its eastward expansion], Taibei, Sunxin Chubanshe, pp. 187-316 (enlarged edition of *ibid* in Beijing: Zhonghua 1987).
- MacKenzie, D. N. (1980). “Mani’s *Šābuhragān* II”, *BSOAS* 43/2, pp. 288-310.
- Pedersen, N. A. (2006). *Manichaean Homilies. The Manichaean Coptic Papyri in the Chester Beatty Library* (Corpus Fontium Manichaeorum), Turnhout: Brepols.
- Piras, E. (2017). “X^varənah- and the Garlands. Notes about the Avestan and Manichaean Yima”, in: E. Morano, E. Provasi and A. V. Rossi (eds.), *Studia Philologica Iranica. Gherardo Gnoli Memorial Volume*, Rome (ISMEO, New Series 5), pp. 311-323.
- Polotsky, H. J. (1934). *Manichäische Handschriften der Sammlung A. Chester Beatty, Band 1: Manichäische Homilien*, mit einem Beitrag von H. Ibschler, Stuttgart.
- Polotsky, H. J. and A. Böhlig (1934-1940). *Manichäische Handschriften der Staatlichen Museen Berlin, Band 1: Kephalaia, 1. Hälfte*, Stuttgart.
- Reck, C. (2003). “Die Beschreibung der Daēnā in einem soghdischen manichäischen Text”, in: C. Cereti; M. Maggi and E. Provasi (eds.), *Religious themes and texts of pre-Islamic Iran and Central Asia: studies in honour of Professor Gherardo Gnoli on the occasion of his 65th birthday on 6 December 2002*, Wiesbaden (Beiträge zur Iranistik 24), pp. 323-338.
- Reck, C. (2006). *Mitteliranische Handschriften, Teil 1: Berliner Turfanfragmente manichäischen Inhalts in soghdischer Schrift*, (Verzeichnis der Orientalischen Handschriften in Deutschland; Band XVIII,1), Stuttgart.
- Shaki, M. (1994). “Dēn”, *En.Ir.*, vol. VII, Fasc. 3, pp. 279-281. (available on www.iranicaonline.org)
- Shokri-Foumeshi, M. (2015). *Mani’s Living Gospel and the Ewangeljōnīg Hymns. Edition, Reconstruction and Commentary with a Codicological and Textological Approach Based on Manichaean Turfan Fragments in the Berlin Collection*, Qom (URD Press, 155) [2nd ed.: Revised and Expanded, forthcoming].
- Shokri-Foumeshi, M. (2017). “The Great Hymn of Wisdom. The First Manichaean Manuscript Fragment Unearthed in Iran”, in: *Zur Lichten Heimat. Studien zu Manichäismus, Iranistik und Zentralasienkunde im Gedenken an Werner Sundermann*, herausgegeben von einem Team “Turfanforschung“, Wiesbaden, *Iranica* 25, pp. 637-654.

پاداش کردار نیک و فرشتگان دَهش بر دروازه بهشت / ۱۴۵

Skjærvø, P. O. (1983), “Kirdir’s Vision’, Translation and Analysis,” *AMI* 16, pp. 269-306.

Sundermann, W. (1992). “Die Jungfrau der guten Taten”, in: P. Gignoux (ed.), *Recurrent Patterns in Iranian Religions. From Mazdaism to Sufism. Proceedings of the Round Table held in Bamberg (30th September - 4th October 1991)*, *Studia Iranica*, Cahier 11, Paris, pp. 159-174.

Sundermann, W. (1998). “Eschatology, ii. Manichean Eschatology”, in: *En.Ir.*, vol. VIII, Fasc. 6, pp. 569-575 [last updated: January 19, 2012]. (available on www.iranicaonline.org)

Tsui Chi 催驥 (1943). “摩尼教下部讚 Mo Ni Chiao Hsia Pu Tsan ‘The Lower (Second?) Section of the Manichaeian Hymns’”, *BSOAS* 11/1, pp. 174-215; with an appendix by W. B. Henning, “Annotations to Mr. Tsui’s Translation”, pp. 216-219.

References

- Afshar Shrazi, Ahmad. 1956. "Motun Arabi wa Farsi darbarez Mani wa Manawiyat wa Ancheh Bedin Mozo Marbut Ast (Arabic and Persian Texts about Mani and Manichaeism and What Is Related to This Subject)", Appended to Seyyed Hasan Taghzadeh, *Mani wa Din U (Mani & His Religion)*, Tehran: Iranian Studies Association. [in Farsi]
- Allberry, C. R. C. 1938. *Manichaean Manuscripts in the Chester Beatty Collection*, vol. II: *A Manichaean Psalm-Book*, part II, with a contribution by H. Ibschler, Stuttgart.
- Andreas, F. C. and W. B. Henning. 1934. *Mitteliranische Manichaica aus Chinesisch-Turkestan. iii*, SPAW, Berlin.
- Ardaviraznameh*. 2003. Translated into French by Philippe Gignoux, Translated into Persian by Jaleh Amuzgar, Tehran: Moin- Association for Iranian Studies in France.
- Bahar, Mehrdad; Ismailpur Motlagh, Abolghasem. 2015. *Adabiyat Manawi (Manichaean Literature)*, Tehran: Karnameh. [in Farsi]
- Bohlig
- Boyce, M. 1954. *The Manichaean Hymn-Cycles in Parthian*, London-New York-Toronto.
- Boyce, M. 1975. *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian*, Téhéran-Liège (Acta Iranica 9a).
- Colpe, C. 1981. "Daēnā, Lichtjungfrau, Zweite Gestalt, Verbindungen und Unterschiede Zwischen Zarathustrischer und Manichäischer Selbst-Anschauung", in: R. van den Broek and M. J. Vermaseren (eds.), *Studies in Gnosticism and Hellenistic Religions presented to Gilles Quispel on the occasion of his 65th Birthday*, Leiden, pp. 58-77.
- Cowell, E. B. (ed.) .1861. *Kaushitaki Brahmana Upanishad*, Delhi: Gyan Books [repr. 2017].
- De La Vaissiere, É. 2015-2019. "The Faith of Wirkak the *Dēnāwar*, or Manichaeism as Seen from a Zoroastrian Point of View", *BAI (NS)* 29, pp. 69-78.
- Dodge, B. 1970. *The Fihrist of al-Nadim. A Tenth-Century Survey of Muslim Culture*, II, New York-London.
- Duekin-Meisterernst, D. (ed.) .2019. "Database of Middle Persian and Parthian Manichaean Texts", under www.turfan.bbaw.de/dta/mirtext/wmirtext.html, last access on 16 December 2019.

- Gardner, I. 1993. "A Manichean Liturgical Codex Found at Kellis", *Orientalia* 62, pp. 30-59.
- Gardner, I. 1995. *The Kephalaia of the Teacher. The Edited Coptic Manichaean Texts in Translation and Commentary*, Leiden.
- Grenet, F. 2017 [2013]. "More Zoroastrian Scenes on the Wirkak (Shi Jun) Sarcophagus." *BAI* (NS) 27, pp. 1-12.
- Hadakhtnasak. 2007. Translated by Mahshid Mirfakhrayi, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [in Farsi]
- Henning, W. B. 1937. *Ein manichäisches Bet- und Beichtbuch*, Berlin (APAW, 1936, No 10) [= *Selected Papers* I, 1977, pp. 417-557].
- Henning, W. B. 1945. "Sogdian Tales", *BSOAS* 11, pp. 465-487 [= *Selected Papers* II, 1977, pp. 169-191].
- Hinnells, J. R. 2000. *Shenakht Asatir Iran (Understanding Iranian Mythology)*, Translated by Jaleh Amuzgar & Ahmad Tafazzoli, Tehran: Thyme-Spring. [in Farsi]
- Ibn Nadim, Mohammad ibn Eshagh. 2002. *Al-Fehrest (The List)*, Translated by Mohammad Reza Tajaddod, Tehran: Asatir. [in Farsi]
- Ibn Nadim, Mohammad ibn Eshagh. 2011. *Mani be Rewayat Ibn al-Nadim (Mani according to Ibn Nadim)*, Translated by Mohsen Abolghasemi, Tehran: Tahuri, Fourth Edition. [in Farsi]
- Klimkeit, H.-J. 1993. *Gnosis on the Silk Road. Gnostic Texts from Central Asia*, San Francisco.
- Lin Wushu 林悟殊 .1997. "Monijiao ji qi dongjian" 摩尼教及其東漸 [Manichaeism and its eastward expansion], Taibei, Sunxin Chubanshe, pp. 187-316 (enlarged edition of *ibid* in Beijing: Zhonghua 1987).
- Mac Kenzie, D. N. 1980. "Mani's *Šābuhragān* II", *BSOAS* 43/2, pp. 288-310.
- Mac Kenzie, David Neil. *Shapuragan*, Translated by Nushin Omrani, Tehran: Eshtad. [in Farsi]
- Pedersen, N. A. 2006. *Manichaean Homilies. The Manichaean Coptic Papyri in the Chester Beatty Library (Corpus Fontium Manichaeorum)*, Turnhout: Brepols.
- Piras, E. 2017. "X^varənah- and the Garlands. Notes about the Avestan and Manichaean Yima", in: E. Morano, E. Provasi and A. V. Rossi (eds.), *Studia Philologica Iranica. Gherardo Gnoli Memorial Volume*, Rome (ISMEO, New Series 5), pp. 311-323.

- Polotsky, H. J. 1934. *Manichäische Handschriften der Sammlung A. Chester Beatty, Band 1: Manichäische Homilien*, mit einem Beitrag von H. Ibschler, Stuttgart.
- Polotsky, H. J. and A. Bohlig .1934-1940. *Manichäische Handschriften der Staatlichen Museen Berlin, Band 1: Kephalaia, 1. Hälfte*, Stuttgart.
- Reck, C. 2003. "Die Beschreibung der Daēnā in Einem Soghdischen Manichäischen Text", in: C. Cereti; M. Maggi and E. Provasi (eds.), *Religious themes and texts of pre-Islamic Iran and Central Asia: studies in honour of Professor Gherardo Gnoli on the occasion of his 65th birthday on 6 December 2002*, Wiesbaden (Beiträge zur Iranistik 24), pp. 323-338.
- Reck, C. 2006. *Mitteliranische Handschriften, Teil 1: Berliner Turfanfragmente manichäischen Inhalts in soghdischer Schrift*, (Verzeichnis der Orientalischen Handschriften in Deutschland; Band XVIII,1), Stuttgart.
- Shaki, M. 1994. "Dēn", *En.Ir.*, vol. VII, Fasc. 3, pp. 279-281. (available on www.iranicaonline.org)
- Shokri-Foumeshi, M. 2015. *Mani's Living Gospel and the Ewangelȳōnīg Hymns. Edition, Reconstruction and Commentary with a Codicological and Textological Approach Based on Manichaean Turfan Fragments in the Berlin Collection*, Qom (URD Press, 155) [2nd ed.: Revised and Expanded, forthcoming].
- Shokri-Foumeshi, M. 2017. "The Great Hymn of Wisdom. The First Manichaean Manuscript Fragment Unearthed in Iran", in: *Zur Lichten Heimat. Studien zu Manichäismus, Iranistik und Zentralasienkunde im Gedenken an Werner Sundermann*, herausgegeben von einem Team "Turfanforschung", Wiesbaden, *Iranica* 25, pp. 637-654.
- Shokri-Foumeshi, Mohammad. 2014 (2015). "Dorud bar Pedar, Pesar, Ruh al-Ghodos: Rahyafti Matnshenakhti be Engareh Ruh al-Ghodos dar Tathlith Manawi (Peace Be upon the Father, the Son, the Holy Spirit: A Textological Approach to the Idea of the Holy Spirit in the Manichaean Trinity)", in: *Religious Studies*, no. 5, pp. 35-48. [in Farsi]
- Shokri-Foumeshi, Mohammad. 2015. "Sorud Bozorg Kherad: Kashf Nokhostin Dastnewis Manawi dar Iran (The Great Wisdom Hymn: The Discovery of the First Manichaean Manuscript in Iran)", in: *Comparative Linguistic Studies*, yr. 5, no. 10, pp. 1-24. [in Farsi]
- Shokri-Foumeshi, Mohammad. 2016. "Sorudi Enjili dar Bab Engareh Se Ruz Bozorg; Ba Ruykardi be Khastgah wa Mahiyat Sorudeh-hay Manawi Barasas Dastnewis-hay Turfan dar Majmueh Berlin (A Biblical Hymn about the Idea of Three Great Days; With an Approach to the Origin and Nature of Manichaean Poems based on

- Turfan Manuscripts in the Berlin Collection)", in: *Religious Studies*, no. 7, pp. 99-118. [in Farsi]
- Skjærvø, P. O. 1983. "'Kirdir's Vision', Translation and Analysis," *AMI* 16, pp. 269-306.
- Skjrv, Prods. 2017. *Anasor Irani dar Kish Manawi, ba Ruykardi Moghayeseyi (Iranian Elements in Manichaean Religion, with a Comparative Approach)*, Translated by Mohammad Shokri Fumeshi, Edited by Akram Dejhustgank, Tehran: Tahuri, Second Edition. [in Farsi]
- Sundermann, W. 1992. "Die Jungfrau der guten Taten", in: P. Gignoux (ed.), *Recurrent Patterns in Iranian Religions. From Mazdaism to Sufism. Proceedings of the Round Table held in Bamberg (30th September - 4th October 1991)*, Studia Iranica, Cahier 11, Paris, pp. 159-174.
- Sundermann, W. 1998. "Eschatology, ii. Manichean Eschatology", in: *En.Ir.*, vol. VIII, Fasc. 6, pp. 569-575 [last updated: January 19, 2012]. (available on www.iranicaonline.org)
- Tusi Chi 催驥 1943. "摩尼教下部讚 Mo Ni Chiao Hsia Pu Tsan 'The Lower (Second?) Section of the Manichaean Hymns'", *BSOAS* 11/1, pp. 174-215; with an appendix by W. B. Henning, "Annotations to Mr. Tsui's Translation", pp. 216-219.
- Wameghi, Iraj. 1999. *Neweshteh-hay Manawi wa Manawiyān (Manichaean and Manichaean Writings)*, Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Art, Art Center. [in Farsi]
- Widengren, Geo. 1997. *Mani wa Talimat U (Mani and Manichaismus)*, Translated by Nozhat Safay Isfahani, Tehran: Publishing Center, Second Edition. [in Farsi]